



تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۸

فاطمه هاشمی*

کشت و زرع در شریعت یهود

چکیده

موضوع مورد بررسی در این پژوهش کشاورزی در بستر فرهنگ یهود است که با هدف بررسی مسائل کشاورزی مطابق با معیارهای میراث یهودیت تدوین شده است. کشاورزی به عنوان یکی از پدیده‌های لاینفک توسعه اقتصادی در هر کشوری شناخته شده است چرا که کشاورزی مؤثر می‌تواند نقش قابل توجهی در اقتصاد یک کشور ایفا کند. ادیان الهی و غیر الهی توجه ویژه‌ای به این امر دارند، چنان که در شریعت یهود نیز این شغل جایگاه ویژه‌ای داشته و معتقد است که زراعت با شریعت پیوند وثیقی دارد. لذا این پژوهش به بررسی و تبیین این شغل ارزشمند از منظر دانشمندان یهودی که به طور ویژه در تورات شفاهی ذکر شده است، می‌پردازد. در این راستا زراعت بر اساس کتاب مقدس عبری و تفسیر آن، تلمود مورد مطالعه قرار گرفته است و در آن علاوه بر بررسی اهمیت و جایگاه کشاورزی در شریعت یهود، به همسانی کشاورزی با طلب علم در قوم یهود اشاره شده است. علاوه بر این به احکام کشاورزی در اندیشه یهود و اعیاد مرتبط با کشت پرداخته است و در انتها نیز نظرات مرتبط با آن را مورد بازکاوی قرار داده است.

واژگان کلیدی: کشاورزی، علمای یهود، کشت و زرع، شریعت یهود، کشاورز.

طرح بحث

کشاورزی یکی از منابع اصلی تغذیه انسان است و یکی از اهرم‌های استقلال اقتصادی هر کشور است، از این رو از آغاز زندگی بشر تا به امروز مورد اهمیت بوده و به تدریج نیز دستخوش تغییرات و پیشرفت‌های قابل توجهی قرار گرفته است تا بتواند نیازهای تغذیه‌ای انسان را با بالاترین بهره‌وری و کمترین اتلاف پاسخ گوید به طوری که انسان از ابتدای خلقت با امر کشاورزی سروکار داشته است.

«نسخه‌های تصحیح شده کتاب‌های آسمانی بر این واقعیت گواهی می‌دهند که اقامتگاه اولیه حضرت آدم، جد بزرگ نوع بشر، باغ انبوه و پر درختی بود (جنت) و وی در آنجا در حیاتی آکنده از صلح و آسایش کامل به سر می‌برد.» (مظفر، ۱۳۸۰: ص ۵)

بر پایه برخی از روایات زمانی که آدم ابوالبشر پا به عرصه زمین نهاد و احساس گرسنگی کرد، جبرئیل از آسمان فرود آمد و کشاورزی و درختکاری را به او آموخت و این روش را پیامبران پس از وی نیز یکی پس از دیگری برگزیدند و پس از آن نیز کشاورزی از مهم‌ترین شغل‌های مردم در طول تاریخ بوده است.

«بسیاری از پیامبرانی که در قرآن از آن‌ها نام برده شده نظیر حضرت آدم، یوسف و ایوب کشاورزان برجسته‌ای بودند. دو پسر آدم، هابیل و قابیل هرکدام با یکی از شاخه‌های کشاورزی در ارتباط بودند. هابیل چوپان و قابیل زارع بود.» (برشان، ۱۳۹۱: ص ۳۴)

«ایوب پیامبر نیز دارای یک مزرعه وسیع کشاورزی بوده که از ۵۰۰ جفت گاو نر در آن استفاده می‌شده است.» (صداقت، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۷۴)

به طور کلی در تمام دین‌های الهی به موضوع زراعت، فلاحت، باغداری، دامداری و نیز طبیعت توجه شده، اما در شریعت یهود به طور مکرر علاوه بر اهمیت کشاورزی، احکام نیز مورد بررسی قرار گرفته شده و حتی اعیادی دینی به همین مناسبت در کتاب مقدس ذکر و تأیید شده است.



الف. کشاورزی و اهمیت آن در شریعت یهود

کشاورزی در لغت به معنای کشت و زرع می‌باشد و در اصطلاح به تولید مواد غذایی و کالا از راه زراعت و جنگل‌داری اطلاق می‌شود. از دیر زمان تا کنون، یکی از پسنندیده‌ترین کارها در میان تمام ملل و ادیان، کشاورزی و دامداری بوده است؛ چنانچه تمام ادیان الهی کشاورزی را شغلی مقدس دانسته و پیشوایان مذهبی در هر عصر، علاوه بر آنکه خود با کمال علاقه‌مندی به کار کشاورزی اشتغال داشته‌اند، مردم را نیز به این کار تشویق می‌کردند.

شریعت یهود نیز عنایت ویژه‌ای به کشت، زرع و کشاورزی دارد و سخنان دانشمندان آنان مملو است از مواردی که مستقیماً از مکتب کشاورزی گرفته شده است. دانشمندان یهودی درباره کشاورزی و اهمیت آن تأکید فراوان داشته و این حرفه را به عنوان امری معنوی و دور از مادیگری صرف دانسته‌اند.

پس امر کشاورزی و کار و تلاش کشاورزان با توجه به ماهیت معنوی آن و با توجه به این مفهوم که کشاورزان همکاران و عاملان خداوند رزاق در تأمین رزق و روزی آفریدگان وی هستند، قابل مقایسه با هیچ یک از حرفه‌ها و مشاغل نیست و هدف غایی کشاورزی نیز از دیدگاه یهود تلیف قدرت روحی و جسمی انسان‌ها می‌باشد و لذا نباید صرفاً محدود به توسعه اقتصادی شود.

از آنجا که زندگی نسبت به سابق مشکل‌تر و پیچیده‌تر شده است، احتیاجات انسانی نیز بسیار زیاد شده و شخص باید توجه کند که چه اندازه از آسایش خود را مدیون زحمات دیگران است. یکی از دانشمندان چنین گفته است:

آدم ابوالبشر زحمت فراوان می‌کشید تا لقمه نانی برای خوردن به دست آورد. او خود تنها زمین را شخم می‌زد، تخم می‌کاشت، محصول را درو می‌کرد، خوشه‌ها را دسته، بسته آن‌ها را می‌کوبید و به باد می‌داد. گندم را پاک می‌کرد و به آسیاب می‌سپرد تا آرد شود و آرد را الک می‌کرد و خمیر می‌ساخت و از خمیر نان می‌پخت و بعد از این همه کار بود که می‌توانست لقمه نانی به دست آورد. در صورتی که من بامداد از خواب برمی‌خیزم و می‌بینم که همه چیز برای من آماده است. (کهن،



۱۳۸۲: ص ۲۰۴) به عقیده ربی أبراهام کوک، قوم یهود حامل رسالت دینی و خدایی خاصی برای تمام جهان است.

به اعتقاد وی ایمان و قدسیت، به قدرت تولید کشت و زرع قابل تحویل (Reduction) است و در نهایت معتقد است که بازیافت و احیای قدرت یهود منوط به تلفیق قدرت روحی و جسمی است. (آریایی نیا، ۱۳۸۰: شماره ۶)

ب. همسانی کشاورزی با طلب علم در اندیشه یهود

اگر یک فرد هر قدر هم که عالی مقام باشد این حقیقت را فهم کند که کاری که او انجام می دهد خدمتی به جامعه است و او بدین وسیله دین خود را به اجتماع ادا می کند آن وقت دیگر غرور و نخوت پر زیان طبقاتی از بین خواهد رفت.

این فکر را دانشمندان دارالعلم عرفوف یونه (Yavneh) در قالب جملاتی زیبایی ریخته اند:

من مخلوق خدا هستم و هم‌نوع من نیز مخلوق خداست، کار من در شهر است و کار او در صحرا و کشتزار. من بامداد برای انجام کار برمی خیزم و او نیز هر بامداد چنین می کند، شاید تصور کنید که من کارهای بزرگ‌تر و بیشتری انجام می‌دهم و او کارهای کمتر و کوچک‌تر. بی‌شک این‌طور نیست زیرا ما چنین آموخته‌ایم:

«این مهم نیست که انسان کار زیادتر یا کمتر انجام دهد بلکه مهم آن است که در هر کار که می‌کند قلبش را متوجه خدا سازد.» (بر اخوت، ۱۷ الف) (کهن، ۱۳۸۲: ص ۲۰۵)

انسان موظف است زحمت بکشد و کار کند نه تنها برای کسب معیشت بلکه برای آنکه سهم خود را در حفظ نظام جامعه و بهبود وضع آن ادا کرده باشد، هرچند تحصیل تورات به عنوان عالی‌ترین و محترم‌ترین مشغله‌ها ستوده شده است، با وجود این دانشمندان یهود به حد کافی از این حقیقت آگاهی دارند که اگر همه مردم تمام وقت و نیروی خود را فقط صرف تحصیل علم و آموختن تورات کنند بقای جهان بشریت امکان‌پذیر نخواهد بود.



از این روست که چنین اندرزی داده‌اند: تحصیل تورات زمانی خوب و با ارزش است که با ادب و تربیت و کسب و کار همراه باشد، زیرا زحمتی که انسان در راه آن متحمل می‌شود باعث می‌گردد که ارتکاب گناه را فراموش کند و اگر تحصیل تورات با ادب و تربیت و کسب و کار توأم نباشد سرانجام به جایی نمی‌رسد و باطل می‌گردد و باعث آن می‌شود که شخص مرتکب گناه گردد. (میشنا آووت، ۲:۲)

مقام شامخ و شأن عالی کار و زحمت در سراسر ادبیات تلمود ستوده شده است. جمله (عالی است مقام کار که به کارگران عزت و افتخار می‌بخشد) اصلی و اساسی در این زمینه است. باید هم بدین گونه باشد زیرا کار بخش مهمی از طرح و برنامه الهی برای سعادت انسان است. درباره این شعار دانشمندان یهود که «کار را دوست بدار» (میشنا آووت، ۱:۱۰) چنین موعظه‌ای داریم:

حتی آدم ابوالبشر غذایی را نچشید تا آنکه اول کار کرد، چنانکه گفته شده است:

«خداوند آدم را بگرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید.» (سفر تکوین، ۲:۱۵) و پس از آن خداوند به وی فرمود:

«از میوه همه درختان باغ تو بی ممانعت بخور» (کهن، ۱۳۸۲: ص ۲۱۱)

یک ضرب‌المثل آشنا چنین می‌گوید:

کسی که کار نمی‌کند چیزی نخواهد داشت که بخورد (برشیت ربا، ۱۴: ۱۰ یا ۱۲)

به علاوه انسان نباید رفع نیازمندی‌های شخصی را یگانه هدف کار خود بشناسد این موضوع به طرز جالبی در این روایت آمده است: هادریان امپراطور روم از کوچه باغ‌های نزدیک شهر طبریا می‌گذشت و مرد کهن سالی را دید که زمین را حفر می‌کند تا درختانی در آن غرس نماید. هادریان بدو گفت: ای پیرمرد، اگر در جوانی کار کرده بودی اکنون دیگر نیازی نداشتی بدین گونه زحمت بکشی. پیرمرد گفت: من هم در اوایل عمر کار کرده‌ام و هم در آخر آن بیکار نمی‌نشیم و آنچه که خداوند آسمان‌ها پسند آید آن را با من خواهد کرد.



هادریان از وی پرسید که چند سال دارد و او گفت: یک صد سال. هادریان با شگفتی بانگ برآورد و گفت تو یک صدسال داری و باز زحمت می کشی و زمین را می کنی تا در آن نهال بنشانی؟ شاید امیدواری که از میوه آن بخوری؟ پیرمرد پاسخ داد: اگر شایسته باشم خواهم خورد و اگر هم لایق نباشم غمی نیست زیرا همان گونه که پدر و اجدادم برای من زحمت کشیدند من نیز برای فرزندان و اخلافم زحمت می کشم. (ویقراربا، ۲۵: ۵)

یوسفوس مورخ یهود که در قرن یکم میلادی می زیسته است از قول ملت خود چنین می گوید: «ما به تجارت علاقه ای نداریم و چون کشور زرخیزی برای سکونت خود داریم فقط به کشت و زرع آن می پردازیم.» (آپیون، ۱: ۱۲)

این سخن شاید بسیار کلی باشد لکن نکته قابل توجه آن است که معمولاً هر وقت تلمود به طور سربسته به کار و حرفه یهودیان اشاره می کند، مقصود کارهای کشاورزی است. (کهن، ۱۳۸۲: ص ۲۱۳)

ج. احکام کشاورزی از دیدگاه یهود

از بخش زراعی میثنا که درباره مقررات کشاورزی است تنها رساله بر اخوت که حاوی ادعیه و نمازهای یومیه است در تلمود بابلی آمده است. علت حذف بقیه رساله ها را معمول نبودن مطالب آن ها در بابل ذکر کرده اند. (طالبی دارابی، ۱۳۷۸: شماره ۲)

البته در بعضی نسخه ها این رساله به بخش موعد انتقال یافته است، اما از آنجا که سدر زراعی به نام سدر امونا به معنای بخش ایمان؛ گفته شده است که چون انسان به حیات ابدی باور دارد، بذرافشانی می کند نیز معروف است، قرار دادن رساله بر اخوت در آغاز این بخش به درستی صورت گرفته است. (سالتز، ۱۳۸۴: ص ۱۴۰) اما در نسخه های دیگر مواردی از احکام مربوط به کشت و زرع ذکر شده که در ذیل به آن ها اشاره می شود.



۱. احکام کشاورزان

راجع به سبزیجات و میوه‌ها هلاخا یک سری منع‌های عام را قرار داده است. مثلاً پرورش مخلوط تخم گیاهان یا یکدیگر یا زیر کشت بردن تاکستان‌ها با محصولات دیگر و یا پیوند زدن انواع مختلفی از درختان باهم.

جزئیات این قوانین پیچیده‌اند و ربی‌ها برای حکم کردن درباره اینکه کدام گونه‌های گیاهی با هم مختلف‌اند نظام طبقه‌بندی خاصی برای خود به وجود آورده‌اند. برخی از این قوانین فقط به محصولات سرزمین اسرائیل مربوط می‌شوند در حالی که دیگر قوانین به سرزمین‌های غربت نیز ناظرند این محدودیت‌ها به کیلئیم (ممنوعیت کاشت یا پیوند مخلوطی از انواع) معروف‌اند و بر اساس عباراتی از کتاب مقدس جعل شده‌اند. (الن آنترمن، ۱۳۸۵: ص ۳۱۲)

از سوی ربی‌های صهیونیست در ارتباط با ممنوعیت کشت دو بذر مختلف در یک مزرعه روشی ابداع شده بود، از آنجا که اگر نومی (علم کنترل خاک برای تولید بیشتر و بهتر غلات) ثابت کرده که در برخی موارد به ویژه در مورد علوفه خشک، کشت بذر مخلوط بسیار پرفایده‌تر است، ربی‌ها یک کلاه شرعی ابداع کردند که به موجب آن ابتدا فرد مزرعه‌اش را از اول تا به آخر با یک بذر کشت می‌کرد.

در همان روز، کمی بعدتر دوست او که ظاهراً از کشت مزرعه توسط دوستش اطلاعی نداشت، مجدداً از اول تا آخر مزرعه را با یک نوع بذر دیگر کشت می‌کرد؛ اما به نظر می‌رسید این روش، کار و نیروی انسانی زیادی می‌برد و لذا روش دیگری طراحی شد: فردی یک مشت از یک نوع بذر را در یک مکان عمومی می‌ریزد و رویش را با یک کیسه بزرگ ضخیم یا یک قطعه تخته یا فیبر می‌پوشاند.

سپس نوع دیگری از بذر را روی کیسه یا تخته می‌پاشد و می‌رود. فرد بعدی می‌آید و در مقابل شهود اعلام می‌کند که به این کیسه یا تخته احتیاج دارم و آن را بر می‌دارد و بدین ترتیب بذرها با هم به طور طبیعی مخلوط می‌شوند و بالاخره نفر سوم از راه می‌رسد و به او گفته می‌شود این بذر را بردار و زمین را بکار و او هم همین کار را می‌کند. (شاهاک، ۱۳۷۸: ص ۹۳)



میوه هر درخت نو برای سه سال نخست حرام است و هیچ‌گونه بهره دیگری نیز نمی‌توانستند از آن ببرند، این ممنوعیت که مبتنی بر وییقراء، ۲۳:۱۹ است، عورلا(میوه ممنوع درخت در خلال سه سال اول آن) نام دارد.

میوه چهارمین سال بایست به اورشلیم برده می‌شد تا در آنجا به مصرف برسد؛ یا می‌شد آن را با پول بازخرد و با پول آن مطابق معمول غذایی خریده تا در اورشلیم خورده شود. امروزه به گونه‌ای نمادین موه سال چهارم را با سکه ای کوچک بازخرد می‌کنند. درباره تاکستان‌ها نیز قوانین مشابهی در میان است.

۲. وظایف مصرف‌کنندگان

برای محصولات سرزمین اسرائیل مجموعه کاملی از قوانین وجود دارد که در اصل از دوران کتاب مقدس پیدا شده اند. اغلب این قوانین فقط ناظر به کشاورزان هستند اما دو مقوله مهم در این میان وجود دارند که ازجمله‌ی قوانین خوراکی مربوط به مصرف‌کنندگان یهودی‌اند.

مقوله اول حاکی از ضرورت جدا کردن ده یک از محصول سرزمین مقدس است. ده یک‌ها به کوهن و یا به لوی داده می‌شود؛ و یا اینکه آن را به فقرا می‌دهند یا به جای آن در سال‌های خاصی باید به اورشلیم فرستاده و در آنجا به مصرف خوردن برسد.

امروزه رسم شده که به راحتی اندکی بیش از یک درصد محصول را به عنوان آنکه نشانه‌ی ده یک‌های متعلق به این بخش و باقی محصولات باشد کنار می‌گذارند و نیز آن قسمت از ده یک‌ها را که قابل فدیة و بازخرد هستند با سکه ای کوچک باز می‌خرند، به جز مقدار کمی که جدا شده است و نمی‌تواند خورده شود، باقی محصول غذایی بدین ترتیب رسماً ده یک‌گیری شده و می‌توان آن را به مصرف رساند. ده یک‌دگیری نیز به خمیری که برای پختن نان یا شیرینی آماده می‌شود تعلق می‌گیرد.

این ده یک در اصل مربوط به سرزمین اسرائیل بوده اما به سرزمین‌های غربت نیز تعمیم داده شده است. وقتی که خمیر ورز داده شد مقدار اندکی از ده یک که به حلالا(عشریه یا ده یک گرفته شده



از خمیر، نیز به گرده نان های مخصوص شبات میگویند) معروف است از آن جدا می کنند. معمولاً این حلا را به کوهن می داده اند اما از آنجا که امروزه هیچ کاهنی دارای پاکی شرعی لازم نیست در عوض آن کار حلا را می سوزانند.

از قدیم جدا کردن حلا یکی از وظایف مخصوص خانم خانه دانسته شده است اما البته همه ی پخت کنندگان از فرآورده ی خود حلا می گیرند.

به بیانی دیگر همان گونه که در اسلام وجوب پرداخت اندازه معینی از برخی اموال با عنوان (زکات) در روایات گوناگون ذکر شده و حضرت مسیح هم در توصیه هایش به پیروان پرداخت (عشره) را مورد تأیید قرار می دهد؛ در قوم یهود نیز بر اساس حکم (ده یک) رسم بر این بوده است که یک دهم از محصولی را که درو می کردند، دوباره در زمین بکارند. به همین جهت یک دهم از محصول را به عنوان بذر نگه می داشتند و برای کشت آینده بکار می بردند.

دومین مقوله مطرح در قوانین کشاورزی که بر مصرف کنندگان تأثیر مستقیم می گذارد به محصول سرزمین اسرائیل در سال آخر دوره هفت ساله معروف به شمیطا (سال شباتی یا تعطیل که در خلال آن زمین اسرائیل راکد و آیش می ماند) برمی گردد.

کتاب مقدس دستور توقف کامل کارهای کشاورزی در این سال را داده است. هلاخا این منع را گسترش می دهد تا آنجا که خوردن محصول سرزمین مقدس پس از نایاب شدن آن در مزارع را نیز ممنوع می کند (یعنی اگر محصولی در مزارع برای حیوانات نمانده باشد نمی توان درو شده ها را خورد). همچنین هلاخا خرید و فروش محصولات سال شمیطا را نهی کرده است و استفاده از آن ها را به موارد تعیین شده ای محدود می گرداند.

از آنجا که ممکن است مشکلات شمیطا باعث به وجود آمدن تنگناهای اقتصادی حادی برای کشاورزی، صادرات و مصرف روزانه اسرائیلیان شود جامعه ی خاخامی اسرائیل برای غلبه بر آن ها راه حلی هلاخایی به دست آورده است.

برای این کار زمین های یهودیان را در مدت آن سال به بیگانه ای می فروشند، چرا که قوانین



شسانی فقط درباره زمین‌هایی است که صاحبان آن‌ها یهودی‌اند. اگرچه این راه حل مبتنی بر فتوای برخی حکیمان برجسته یک صدسال اخیر است، اما همیشه از سوی هلاخائیان دیگری نامعتبر و ناکارآمد شمرده شده و با آن مخالفت شده است. (ر.ک: آلن آترمن، صص ۳۱۲ تا ۳۱۴)

به این شرح که ربه‌های غیر صهیونیست اعتبار این نوع معافیت را به رسمیت نمی‌شناسند، این استدلال صحیح که چون قوانین مذهبی یهودیان را از فروش زمین به غیر یهودیان در فلسطین منع می‌کند؛ لذا این معامله کلاً مبنای حرام داشته و از اعتبار ساقط است. در مقابل ربه‌های صهیونیست پاسخ می‌دهند که این ممنوعیت مربوط به معاملات واقعی است، نه معاملات جعلی! (شاهاک، ۱۳۷۸: ص ۹۱)

البته استدلال‌ات هر دو دسته در حقیقت بر مبانی فنی خاص خود مبتنی‌اند اما می‌توان گفت، آنان که مدافع راه حل فروش زمین‌اند عموماً دارای دیدگاهی صهیونیستی و آن‌ها که مخالف‌اند غیر صهیونیست‌اند، با آنکه اکثر یهودیان راست‌کیش، روش فروش زمین را پذیرفته‌اند، اما اقلیت قابل توجهی وجود دارند که به جای مصرف محصولات شمیپا تا آنجا که ممکن است محصولات زمین‌های عرب مالک را می‌خرند و یا از محصولات وارداتی خارجی بهره می‌گیرند. (آترمن، ۱۳۸۵: ص ۳۱۴)

بنابراین یهودیان ارتدکس غیر صهیونیست اسرائیل، فروشگاه‌های مخصوصی دایر می‌کنند که در طول سال‌های عاطل در آن‌ها میوه و سبزی محصول زمین‌های اعراب را که به وسیله اعراب به عمل آمده به فروش می‌رسانند. (شاهاک، ۱۳۷۸: ص ۲۰۵)

بنابراین از آنجا که اصل وابستگی به خاک فلسطین موجبات ترویج تفکر استقبال از امر کشاورزی و زراعت را فراهم می‌آورد و در نتیجه موجب برخورداری صهیونیست‌ها از امتیازات و جایگاه‌هایی خاص در جامعه یهودی می‌شد، مسلماً توسعه امر زراعت در کنار تحقق اشتغال‌زایی می‌توانست باعث دستیابی امت یهود به امنیت و افتخاری شود که مدت‌های مدیدی از آن محروم بوده‌اند. (حسینی، ۱۳۷۷: شماره ۲۲)



د. اعیاد مربوط به کشت و زرع در شریعت یهود

یهودیان از دیرباز به اهمیت کشاورزی در تأمین آذوقه مردم جهان آگاه بوده‌اند و بسیاری از اعیاد یهودی با کشاورزی و محصولات زمین مربوط می‌شود. از جمله اعیادی که مرتبط با کشت است و با نام‌های خاصی نامگذاری شده‌اند، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. عید هفته‌ها

«عید هفته‌ها را نگاه دار، یعنی عید نوبر درو گندم» (سفر خروج فصل ۳۴ آیه ۲۲) و یا در سفر تثبیه فصل ۱۶ آمده است: هفت هفته برای خود بشمار. در ابتدای نهادن داس در محصول خود شمردن هفت هفته را شروع کن و عید هفته‌ها را به درگاه خدای خالقت نگاه دار علت انتخاب این نام این است که در سرزمین مقدس آن موقع از روز دوم عید «پسح» (شانزدهم ماه نisan عبری) به مدت ۴۹ روز یا هفت هفته کشاورزان مشغول درو کردن و جمع‌آوری محصول خود و سایر محصولات کشاورزی بودند و پس از پایان کار در آخر هفته هفتمین، روز پنجاهم فرا می‌رسد. از این رو این عید «عید هفته‌ها» خوانده شده است.

۲. عید درو

نام دیگر این عید «حَکَ هَقاصیر» یعنی «عید درو» می‌باشد که باز این نام رابطه این عید با فعالیت‌های کشاورزی را برای ما روشن می‌کند که با آوردن نوبر میوه‌ها و غلات به نام «بیکوریم» به خانه مقدس در اورشلیم به عنوان سپاس و تشکر از الطاف و برکات خداوند برگزار می‌شد. چنانکه در سفر خروج فصل ۲۳ آمده است:

«و در عید درو، نوبرانه محصولات را که در کشتزار کاشته‌ای، اولین نوبرانه زینت را به خانه

خداوند خالقت تقدیم کن...»



۳. عید اهدا

نوبر میوه جات نام دیگر این عید «یوم هبیکوریم» می باشد. عید شاووعوت آغاز فصل اهداء اولین نوبر میوه جات را زمانی که معبد مقدس آباد بود اعلام می داشت.

در میشنا که اولین مجموعه قوانین تورات است، آمده است:

«وقتی صاحب یک باغ میوه یا تاکستان، اولین انجیر یا اولین خوشه انگور و یا نخستین انار را که قبل از دیگر میوه های همانند خود رسیده بود مشاهده می کرد، بلافاصله با پیچیدن رشته ای از الیاف گیاهی به دور این میوه نوبر، آن را علامت گذاری می کرد و می گفت: این است اولین میوه که زائرین با مراسم خاصی میوه های نوبر خود را تقدیم می کردند.»

در سفر اعداد فصل آمده است:

«هفته های تان موقعی که شما هدایای تازه خود را به حضور خداوند تقدیم می دارید روز اجتماع مقدس باشد.» (دلرحیم، ۱۳۸۵: برگرفته از سایت انجمن کلیمیان تهران)

بر اساس همین مقررات مذکور در کتاب مقدس عبری و تلمود امروزه نیز ملت اسرائیل و یهودیان جهان، سه شنبه و چهارشنبه (۱۴ و ۱۵ ماه مه) را به مناسبت فرا رسیدن عید «شاووعوت» یا «عید نزول تورات»، جشن «نوبرینه ها» و عید «هفته ها» طبق سنت همه ساله و به عنوان یکی از سه عید مهم آئین یهود جشن خواهند گرفت که همچون اعیادی چون «پسح» (جشن آزادی و بهار) و «سوکوت» (جشن سایبانها و پائیز)، مراسمی ویژه و منحصر را شامل می شود.

در همین زمینه در کتاب باستانی «میشنا»، مراسم تقدیم نوبرینه ها و زیارت اورشلیم چنین بیان شده است:

«شب پیش از عید، کشاورزان همه آبادی ها در شهر اجتماع می کنند. در آن شب شهر آئین بندان شده و از هر کوچه و خیابان صدای موسیقی و آواز شنیده می شود. در آن شب هیچ کس به خانه خود وارد نمی شود و سر به بالین نمی گذارد؛ زیرا همه در خیابان ها و میدان ها شهر اجتماع کرده و به شادمانی و سرور مشغول هستند و می گویند: بیابید به صیون و اورشلیم روی آورده و در



خانه خداوند به عبادت بیردازیم. شادمانی و سرور تا سپیده دم ادامه دارد و هنگامی که خورشید طلوع می‌کند، همه برای حرکت به سوی اورشلیم آماده می‌گردند.»

به مناسبت «شاووعوت»، همان‌گونه که از نام آن (نوبرینه‌ها و هفته‌ها) پیداست، بسیاری از شهروندان و خانواده‌های اسرائیلی و همچنین یهودیان جهان، به گردش‌های خانوادگی یا مسافرت می‌روند و هم‌زمان پارک‌های عمومی، اماکن دیدنی و همچنین تفریحگاه‌های اسرائیل، موجی گسترده از توریست‌ها و بازدیدکننده‌ها را شاهد خواهد بود که به همین مناسبت به اسرائیل سفر کرده‌اند.

عید شاووعوت علاوه بر جنبه کشاورزی و روستایی خود، جنبه مذهبی و روحانی نیز دارد. طبق معتقدات و احادیث یهود، خداوند تورات مقدس را نیز در روز ششم ماه سیوان، مصادف با سرآغاز عید نوبرینه‌ها، بر قوم یهود نازل ساخته است و به همین جهت، شاووعوت «عید نزول تورات» نیز نامیده می‌شود.

از آنجا که کشاورزی و زراعت، به عنوان یکی از اهرم‌های اقتصادی و تاریخی اسرائیل مطرح می‌باشد، یکی از مراسم زیبای عید مذکور، آوردن نوبرینه‌ها به مرکز اورشلیم و نیایشگاه باستانی یهودیان است. (فلسطین اشغالی)

اما امروزه هم‌زمان با استقلال سیاسی کشور اسرائیل، عید نوبرینه‌ها همانند سایر اعیاد ملی یهود، همراه با شکوه و جلال گذشته در کشور اسرائیل برگزار می‌شود.

در شرح تاریخچه شاووعوت می‌توان گفت در ایام کهن، مکانیسم زندگی یهودیان، کشاورزی و روستا نشینی و امرار معاش از طریق زراعت بود که عید هفته‌ها، عید درو گندم و عید نوبرینه‌ها نیز نامیده می‌شد و همین دو نام در کتاب مقدس عبری نیز ذکر شده است.

در همین زمینه آیه شانزدهم از فصل بیست و سوم کتاب «خروج» (بخش دوم تورات) از قول خداوند و خطاب به قوم بنی اسرائیل چنین آمده است: «عید درو غلات را جشن بگیرید و آن هنگامی که غلاتی را که در مزرعه خود کاشته‌اید درو کرده و حاصل خود را از صحرا گردآوری



کرده باشید.»

لازم به یادآوری است در ایام کهن که ملت‌ها و اقوام، زندگی خود را از طریق زراعت می‌گذراندند، هیچ جشن و شادمانی به میزان خوشحالی کشاورزان و برزگران در فصل برداشت یا درو نمی‌رسید. چرا که در همین فصل، کشاورزان و روستائیان، پس از ماه‌ها کاشت و داشت و مراقبت، سرانجام به برداشت محصول خود پرداخته و بالطبع، قوم یهود نیز که در ایام باستان قومی کشاورز بوده، همین فصل را مبدأ یکی از مهم‌ترین اعیاد خود قرار داده است. (برگرفته از یکی از سایتهای خبری اسرائیل به آدرس <https://mfa.gov.il/MFAFA/IsraelExperience>)

ح. بررسی نظرات علماء یهود در مورد کشاورزی و مقایسه آن با تجارت

درباره مقایسه زندگی کشاورزی با صنعت یا بازرگانی اختلاف عقیده زیادی میان دانشمندان یهود وجود دارد. از طرفی به چنین گفته‌ای برمی‌خوریم که «صاحبان همه حرفه‌ها سرانجام به کارهای کشاورزی بر خواهند گشت. هر آن کس که زمین برای کشت و زرع ندارد یک انسان واقعی نیست» (یواموت، ۶۳ الف)

و این آیه: «خداوند مرا به دستانی تسلیم کرده است که قادر نیستم از زیر فشار آن برخیزم» (مراثی ارمیا، ۱۴:۱) درباره شخصی گفته می‌شد که در فلسطین «با استفاده از پول خود کسب معیشت می‌کرد» (یواموت، ۶۳ ب) و نه از راه کشاورزی.

در مقابل نظر مخالفی نیز به همین شدت ابراز شده است: «هیچ حرفه‌ای پست‌تر از حرفه کشاورزی یافت نمی‌شود. کسی که با یک صد زوز ZOZ نام نوعی پول که در آن زمان در بابل رایج بود، سرمایه سوداگری می‌کند هر روز طعام گوشت و شراب سر سفره آماده دارد اما آن کس که با یک صد زوز قطعه زمینی خریداری می‌کند و در آن کشت و زرع می‌کند، خوراکش نمک و سبزیجات است. تنها همین نیست بلکه کار کشاورزی باعث می‌شود که او شب‌ها روی زمین بخوابد (برای نگرهبانی محصول از دستبرد دزدان) و باهمسایگانش نزاع و زد و خورد داشته باشد.» (یواموت، ۶۳ الف).



یکی از دانشمندان حد متوسطی را پیشنهاد کرده و چنین گفته است: «انسان باید سرمایه خود را سه قسمت کند: با یک سوم آن زمین زراعتی بخرد، یک ثلث را در بازرگانی به کار اندازد و یک سوم دیگر را نقد در اختیار خود داشته باشد.» (باوامصیعا، ۴۲ الف) (کهن، ۱۳۸۵: ص ۲۱۳)



نتیجه بحث

نفس عمل کشاورزی عمل مقدسی است که کتاب مقدس یهود به آن تذکر داده و احکام خاصی برای آن قرار داده است. حتی اعیادی دینی نیز به همین مناسبت در کتاب مقدس ذکر و تأیید شده است. لذا مهم ترین نتایجی که در مجموع از کشاورزی در بستر فرهنگ یهود به دست می آید به طور خلاصه چنین است:

۱. شریعت یهود عنایت ویژه ای به کشت، زرع و کشاورزی دارد و دانشمندان یهودی درباره کشاورزی و اهمیت آن تأکید فراوان داشته و این حرفه را به عنوان امری معنوی و دور از مادیگری صرف دانسته اند. علاوه بر این هدف غایی کشاورزی نیز از دیدگاه یهود تلفیق قدرت روحی و جسمی انسان ها می باشد و لذا نباید صرفاً محدود به توسعه اقتصادی شود.

۲. از طرفی دانشمندان یهود کشت و زرع را با طلب علم همسنگ دانسته و معتقدند که تحصیل تورات زمانی خوب و با ارزش است که با ادب و تربیت و کسب و کار همراه باشد، زیرا زحمتی که انسان در راه آن متحمل می شود باعث می گردد که ارتکاب گناه را فراموش کند و اگر تحصیل تورات با ادب و تربیت و کسب و کار توأم نباشد سرانجام به جایی نمی رسد و باطل می گردد و باعث آن می شود که شخص مرتکب گناه گردد.



۳. با توجه به آنچه در اهمیت کشاورزی در آیین یهود بیان شد، مشخص است که نیاز به قوانین مذکوری در این باب وجود دارد. از همین رو در کتاب شفاهی یهودیان به نام تلمود به تفصیل به بیان وظایف دینی کشاورزان پرداخته شده است.

در قوم یهود قانون چنین است که یک دهم از محصولی را که درو می‌کردند، دوباره در زمین بکارند. به همین جهت یک دهم از محصول را به عنوان بذر نگه می‌داشتند و برای کشت آینده بکار می‌بردند. علاوه بر این هر زمین کشاورزی را هر هفت سال، یک سال رها می‌کردند و در آن کشت نمی‌نمودند تا آیش شود.

۴. یهودیان از دیرباز به اهمیت کشاورزی در تأمین آذوقه مردم جهان آگاه بوده‌اند و بسیاری از اعیاد یهودی به کشاورزی و محصولات زمین مربوط می‌شود. این اعیاد شامل عید هفته‌ها، عید درو و جشن نوبرینه‌ها است. نکته لازم به ذکر اینست که هیچ جشن و شادمانی به میزان خوشحالی کشاورزان و برزگران در فصل برداشت یا درو نمی‌رسید؛ چرا که در همین فصل، کشاورزان و روستائیان، پس از ماه‌ها کاشت و داشت و مراقبت، سرانجام به برداشت محصول خود پرداخته و بالطبع، قوم یهود نیز که در ایام باستان قومی کشاورز بوده، همین فصل را مبدأ یکی از مهم‌ترین اعیاد خود قرار داده است.

۵. نظرات دانشمندان در باب مقایسه کشاورزی با تجارت متفاوت است: گروهی اهمیت زیادی برای کشت و زرع قائل شده‌اند و معتقدند هر آن کس که زمین برای کشت و زرع ندارد یک انسان واقعی نیست. از طرفی عده‌ای دقیقاً نظر مخالف داشته و کشاورزی را جز زحمتی بدون سود نمی‌دانند؛ اما نظر معتدلی هم وجود دارد که سرمایه را بین تجارت و کشاورزی تقسیم می‌کند.



منابع و مأخذ

کتاب

۱. آنترمن، آلن، باورها و آیین های یهودی، رضا فرزین، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۵
۲. برشان، محمد، جایگاه آب و زمین در تاریخ ایران، انتشارات خط فاصله، کرمان، ۱۳۹۱
۳. سالتز، آدین اشتاین، سیری در تلمود، ترجمه محمدباقر طالبی دارابی، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۴
۴. شاهاک، اسرائیل، تاریخ یهود آئین یهود، ترجمه رضا آستانه پرست، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸
۵. صداقت، سیدعلی اکبر، یکصد موضوع پانصد داستان، قم، نشر ناصر، پاییز ۱۳۸۵
۶. کهن، راب اُ، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲
۷. مظفر، حسین، ترویج کشاورزی در بستر فرهنگ اسلامی، ترجمه محمود حسینی - فریبا مبینی، زنجان، شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه، ۱۳۸۰

مقالات

۱. آریایی نیا، مسعود، مقالات مبانی دینی رفتار و فرهنگ سیاسی راست افراطی در اسرائیل،

مجله مطالعات منطقه ای، بهار ۱۳۸۰، شماره ۶



۲. حسینی، سیداصغر کیوان، ملاحظات امنیتی رژیم صهیونیستی در شهرک سازس یهودی، مجله

سیاست دفاعی، بهار ۱۳۷۷، شماره ۲۲

۳. طالبی دارابی، باقر، سیر تکون تلمود، مجله هفت آسمان، تابستان ۱۳۷۸، شماره ۲

سایت ها

۱. <https://mfa.gov.il/MFAFA/IsraelExperience>

۲. <http://www.iranjewish.com>

